

هفت‌گنبد

فریدون تیمانی
موزه‌دار موزه هنرهای ملی

هفت‌پیکر یا هفت‌گنبد یا بهرام‌نامه، نامهای مختلف چهارمین مثنوی از پنج‌گنج نظامی^۱ شاعر بزرگ قرن ششم است. این مثنوی بنام سلطان علاء‌الدین کرپه ارسلان اقسنقری حاکم مراغه سروده شده است. این منظومه از داستان بهرام پنجم ساسانی معروف به بهرام گور (۴۲۰-۴۳۸-م) سخن میراند. بنیاد این کتاب بر شماره هفت^۲ است. نظامی زندگانی بهرام را از زمان جلوس بر تخت سلطنت، شرح می‌دهد، آنگاه از ازدواج وی با هفت‌دختر هفت‌پادشاه هفت‌اقلیم (کشور) و جای‌دادن آنها در هفت‌گنبد به هفت‌رنگ، و رفتن بهرام در هر یک از روزهای هفته بیک‌گنبد سخن میراند هر یک از دختران داستانی میسریند و نظامی جمعا هفت داستان از قول آنان روایت می‌کند که از شاهکارهای شعر فارسی است. سپس شاعر از پریشانی اوضاع مملکت بسبب غفلت بهرام، از مملکت‌داری، حمله‌ی پادشاه چین، بایران و ظلم وزیر، و هوشیار شدن بهرام، گفتگو می‌نماید و در پایان رفتن بهرام بدنبال گورخر به غار و ناپدید شدن او را نقل می‌کند. نظامی در شرح داستان منظوم هفت‌پیکر با آنجا می‌رسد که:

... شاه (بهرام گور) روزی در قصر خورتق می‌گشت. حجره‌ای خاص و متفقل دید که کسی آنجا قدم ننهاده بود. از خازن کلید خواست. در را باز کرد و پیا بدرون نهاد:

خانه‌ای دید چون خزانه گنج	چشم بیننده زو جواهر سنج
خوشر از صد نگارخانه چین	نقش آن کارگاه دست‌گزین
هر چه در طرز خرده‌کاری بود	نقش دیوار آن عماری بود
هفت‌پیکر در او نگاشته خوب	هر یکی زان بکشوری منسوب
دختر رای هند (فورک) نام	پیکری خوب تر ز ماه تمام
دخت خاقان بنام (یغما‌ناز)	فتنه لعبتان چین و طراز
دخت خوارزم شاه (ناز‌پری)	کش خرامی بسان کبک‌دری
دخت سقلاّب شاه (نسرین‌نوش)	ترک‌چینی طراز رومی‌پوش
دختر شاه مغرب (آذریون ^۳)	آفتابی چو ماه روز افزون
دخت کسری ز نسل کیسکائوس	(درستی) نام و خوب چون طاوس

۱- نظامی گنجوی، شاعر نامی داستان‌سرای ایران در حدود سال ۵۳۵ در شهر گنجه از حوالی آذربایجان تولد یافت. وی نخستین شاعر ایرانی است که داستان بزمی را هدف اصلی شعر خود قرار داده است. از آثار منظوم وی که بسبب آن کسب شهرت نموده است میتوان: مخزن‌الاسرار- خسرو شیرین- لیلی و مجنون - هفت‌پیکر و اسکندرنامه را نام برد. تاریخ درگذشت وی تا آنجا که تحقیق شده در پایان قرن ششم یا سالهای اول قرن هفتم بوده است. در این باره رجوع شود به کتاب تاریخ ادبیات ایران - دکتر رضازاده شفق.

۲- در این باره رجوع شود به «تحلیل هفت‌پیکر نظامی» دکتر معین.

۳- آذریون = آذرگون (کلی که بقول مؤلف قاموس ایرانیان دیدار آنرا نیک دارند و در خانه

بیراکنند).

کرده این هفت پیکر از يك دست
گوهر افروز نور بینائی
کان همه پوست بود وین همه مغز
غالبه خط کشیده بر قمرش
هر یکی دل بمهر داده بدو
وآن همه پیش او پرستنده
نام بهرام گور بر سر او
کاین جهانجوی چون بر آرد سر
در کنار آورد چو در یتیم
آنچه اختر نمود بنوشتیم

در یکی حلقه حمایل بست
هر یکی با هزار زیبائی
در میان پیکری نگاشته نغز
نوخطی در نشانده در کمرش
آن بتان دیده بر نهاده بدو
او در آن لعبتان شکر خنده
بر نوشته دبیر پیکر او
کانچنانست حکیم هفت اختر
هفت شهزاده را ز هفت اقلیم
مانه این دانه را بخود کشتیم

بهرام چون این افسانه بخواند شگفت بماند و مهر آن دختران زیباروی در دلش جای کرد
و چون از آن خانه رخت بیرون برد قفل بر در زد بخازناش سپرد و کس را اجازت دخول بدان
نداد و بعدها :

سوی آن در شدی کلید بدست
دیدي آن نقشهای خوب سرشت
بتمنای آن شدی در خواب
کامد آن خانه غمگسارش بود

وقت وقتی که شاه گشتی مست
در گشادی و در شدی ببهشت
مانده چون تشنه‌ای برابر آب
تا برون شد ، سر شکارش بود

چون بهرام در باره‌ای از امور کشور فارغ دل گردید بیاد افسانه‌ی هفت دختر افتاد و چنان
مهر آن دختران حورسرشت در دلش جای‌گزین شد که سرانجام آنچه راکه در دل آرزو داشت
جامه‌ی عمل پوشاند :

کآن صفت کرده بود پیشین یاد
بلکه از تنگ هفت کشور بود
در دلش تخم مهربانی کشت
کآمد آن هفت کیمیاش بدست

یادش آمد حدیث آن استاد
وان سراچه که هفت پیکر بود
مهر آن دختران حورسرشت
کوره‌ش آنگه ز هفت جوش نشست

بود لیکن پدر شده زمین
گوهری یافت هم ز گوهر خویش
برخی از مهر و برخی از تهدید
بر سر هر دو هفت ساله خراج
حمل دینار و گنج گوهر نیز
در فکند آتشی در آن برو بوم
دخترش داد و عذر خواست بسی
با زر مغربی و افسر و گاه
زیرکی بین که چون بکار آورد
رفت از آن جا بملک هندوستان
خواست و آورد کام خویش بجای
دختر خوب روی در خور بزم
خواست زیبا رخی چو قطره آب
هفت دختر ستم چو در یتیم
داد عیش خوش و جوانی داد .

۱- اولین دختر از نژاد کیان
خواستش با هزار خواسته پیش
۲- پس بخاقان روانه کرد برید
دخترش خواست با خزانه و تاج
داد خاقان خراج و دختر و چیز
۳- وانگهی ترکناز کرد بروم
قیصر از بیم بر نزد نفسی
۴- کسی فرستاد سوی مغرب شاه
دخت او نیز در کنار آورد
۵- چون شهی سرو برد از آن بستان
دختر رای را بقل و برأی
۶- قاصدش رفت و خواست از خوارزم
۷- همچنان نامه کرد بر سقلاب
چون ز کشور خدای هفت اقلیم
در جهان دل بشادمانی داد

چگونگی پدید آمدن هفت گنبد :

بنابر سروده نظامی روز اول زمستان بود . مجلسی شاهانه آراسته شد . در آن میان بر زبان سخنوری بگذشت که همه نعمتها و خوشیها شاه را فراهم است و چه خوب بود که گزند حوادث ، چشم بد و طالع نامیمون هرگز این عیش را منقض نمی ساخت :

کاشکی چاره‌ای در آن بودی	که ز ما چشم بد نمان بودی
گردش اختر و پیام سپهر	هم بدین خرمی نمودی چهر
طالع خوشدلی ز ره نشدی	عیش بر خوشدلان تبه نشدی

این سخن دلپسند همه شد ، در آن جمع محتشم زاده‌ای بنام شیده که در رسامی - نجوم و علوم طبیعی دست داشت و شاگردی سمنار کرده استاد را درساختن خورتق یاری داده بود زمین بوسید و گفت اگر شاه دستوری دهد :

نسبتی گیرم از سپهر بلند	که نیارد بروی شاه گزند
تا بود در نشاطخانه خاک	ز اختران فلک ندارد باک
و آن چنانست کز گزارش کار	هفت گنبد کنم چوهفت حصار
رنگ هر گنبدی جدا گانه	خوشر از رنگ صد صنم خانه
شاه را هفت نازین صنم است	هر یکی را ز کشوری علم است
هست هر کشوری برکن و اساس	در شمار ستاره‌ای بقیاس
هفته را بی صداع گفت و شنید	روزهای ستاره هست پدید
در چنان روزهای بزم افروز	عیش سازد بگنبدی هر روز
جامه هم رنگ خانه در پوشد	با دلارام خانه می نوشد
گر برین گفته شاه کار کند	خویشتن را بزرگوار کند

شاه پذیرفت و شیده :

تا دو سال آن چنان بهشتی ساخت	که کش از بهشت وانشاخت
چون چنان هفت گنبدی گهری	کرد گنبدگری چنان هنری
هر یکی را بطبع و طالع خویش	شرط اول نگاهداشت به پیش
چون شه آمد بدید هفت سپهر	بیکی جای دست داده به مهر

از آن پس بهرام هر روز از ایام هفته بگنبدی که برنگ سیاره آن روز تعلق داشت میرفت و جامه‌ای بهمان رنگ دربر می کرد :

در چنان بیستون هفت ستون	هفت گنبد کشید برگردون
شد دران باره ملک پیوند	باره‌ای دید بر سپهر بلند
هفت گنبد درون آن باره	کرده بر طبع هفت سیاره
رنگ هر گنبدی ، ستاره شناس	بر مزاج ستاره کرده قیاس
گنبدی کو ز قسم کیوان بود	در سیاهی چو مشک پنهان بود
وانکه بودش ز مشتری مایه	صندلی داشت رنگ و پیرایه
وانکه مریخ بست پرگارش	گوهر سرخ بود در کارش
وانکه از آفتاب داشت خبر	زرد بود ، از چه ؟ از حمایل زر
وانکه از زیب زهره یافت امید	بود رویش چوروی زهره سپید
وانکه بود از عطاردش روزی	بود پیروزه گون ز پیروزی
وانکه مه کرده سوی برجش راه	داشت سرسبزی ز طلعت شاه

برکشیده بر این صفت یکسر
 هفت کشور تمام در عهدش
 کرده هر دختری به رنگ و به رای
 وز نمودار خانه تا به فریش
 هفت گنبد به طبع هفت اختر
 دختر هفت شاه در مهدش
 گنبدی را ز هفت گنبد جای
 کرده هم رنگ روی گنبد خویش

بقول نظامی برنامه بهرام در روزهای هفته چنین بود :

- (روز شنبه در گنبد مشگین و افسانه گفتن دختر ملك اقليم اول) انتساب بسیاره کیوان .
- (روز یکشنبه در گنبد زرد و افسانه گفتن دختر ملك اقليم دوم) انتساب به خورشید .
- (روز دوشنبه در گنبد سبز و افسانه گفتن دختر ملك اقليم سوم) انتساب بسیاره ماه .
- (روز سه شنبه در گنبد سرخ و افسانه گفتن دختر ملك چهارم) انتساب بسیاره مریخ .
- (روز چهارشنبه در گنبد پیروزه و افسانه گفتن دختر ملك اقليم پنجم) انتساب بسیاره عطارد .
- (روز پنجشنبه در گنبد صندلی و افسانه گفتن دختر ملك اقليم ششم) انتساب بسیاره مشتری .
- (روز آدینه در گنبد سپید و افسانه گفتن دختر ملك اقليم هفتم) انتساب بسیاره زهره .

بدینوسیله نظامی هفت مجلس در هفت پیکر آراسته است و چنانکه گفته هر روز از روزهای هفته را که برنگ سیاره آن روز تعلق داشت بهرام بگنبدی نزد دختر یکی از پادشاهان میشد .

شنبه سوی گنبد سرای غالیه فام پیش بانوی هند شد بسلام

یکشنبه روزیکشنبه آن چراغ جهان زیر زر شد چو آفتاب نهان
 جام زر بر گرفت چون جمشید تاج زر بر نهاد چون خورشید
 زرفشانان بزرد گنبد شد تا یکی خوشدلیش در صد شد

دوشنبه چونکه روز دوشنبه آمد شاه چتر سرسبز بر کشیده بمه
 شد بر افروخته چو سبز چراغ سبز در سبز چون فرشته باغ
 رخت را سوی سبز گنبد یرد دل بشادی و خرمی بسپرد

سه شنبه سرخ در سرخ زیوری بر ساخت صبحگه سوی سرخ گنبد تافت
 بانوی سرخ روی سقلابی آن برنگ آتشی بلطف آبی

چهارشنبه... چارشنبه که از شکوفه مهر گشت پیروزه گون سواد سپهر
 شاه را شد ز عالم افروزی جام پیروزه گون ز پیروزی
 شد به پیروزه گنبد از سر ناز روز کوتاه بود و قصه دراز

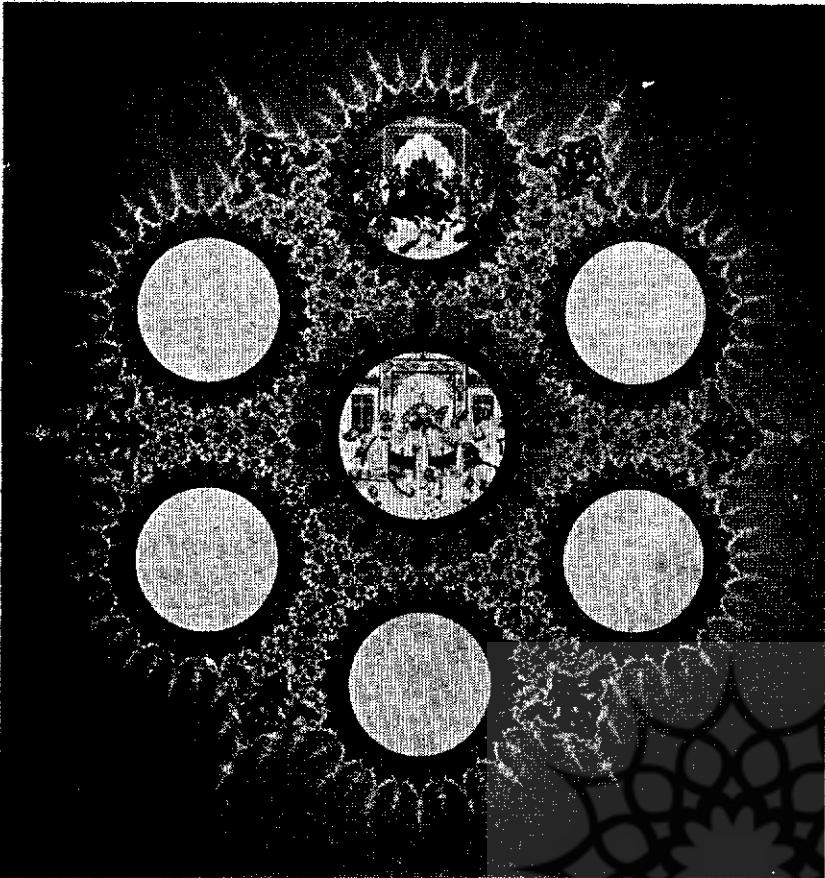
پنجشنبه چون دم صبح گشت نافه گشای عود را سوخت خاک صندل سای
 بر نمودار خاک صندل فام صندلی کرد شاه جامه و جام
 آمد از گنبد کبود برون شد بگنبد سرای صندل گون

آدینه شاه با زیور سپید به ناز شد سوی گنبد سپید فراز



۱

۲



۱ - مجلس بزم بهرام در زیر گنبد پیروزه از استاد فقید هادی تجویدی ۲ - تابلو هفت گنبد که از ۷ دایره در تذهیب و دو صفحه بزم زیر گنبد (دروسط) و شرح (در بالایا) نقاشی شده است از محمدعلی زاویه

از داستان منظوم هفت گنبد، تاکنون چند اثر ارزنده از استادان مینیاتور معاصر مانند استاد فقید هادی تجویدی و محمدعلی زاویه و ابوطالب مقیمی و حسین صفوی هنرمندان عالیقدر مینیاتور بوجود آمده است که از آن میان از هادی تجویدی يك اثر و از محمدعلی زاویه دواتر و از حسین صفوی يك اثر درموزه هنرهای ملی بیادگار مانده است و ما فعلاً بتحلیل آثار اخیر اکتفا می نمائیم.

تابلوی شکل (۱) اثر استاد فقید هادی تجویدی است. در این تابلو بهرام ساسانی را در تختی به نقش و نگار درون کاخ پیروزه نشان می دهد و دختر شاه اقلیم پنجم در کنارش نشسته است گنبد پیروزه گون در بالای قصر چون نگینی فیروزه درخشان است. زمینه تابلو و اصولاً هر چیزی که در این صحنه بیچشم میخورد همه برنگ پیروزه نشان داده شده است گوئی صورتها نیز برنگ پیروزه درآمده اند. در این ضیافت شاهانه تمام ۵۲ صورت در عین کوچکی، دقیق و زیبا ترسیم گشته است. در این اثر هنرمند سعی نموده آن جلال و رسوم کهن را که از داستان احساس کرده به بیننده منتقل نماید. نوازندگان که با دایره و عود و کمانچه حاضرین را مشغول می دارند، همه بجامه های پیروزه رنگ ملبوسند. حاشیه دیواره ساختمان قصر با نقش ستاره های ۶ پرترین گشته و نقش حیوانات شکاری در حوضه مرکزی دیوار قصر از نظر ظرافت قلم، با قدرت دید هنرمند مرتبط است. در ضلع غربی بارگاه طبیعت سرسبزی دیده میشود. باغبانی زمین را شخم میزند



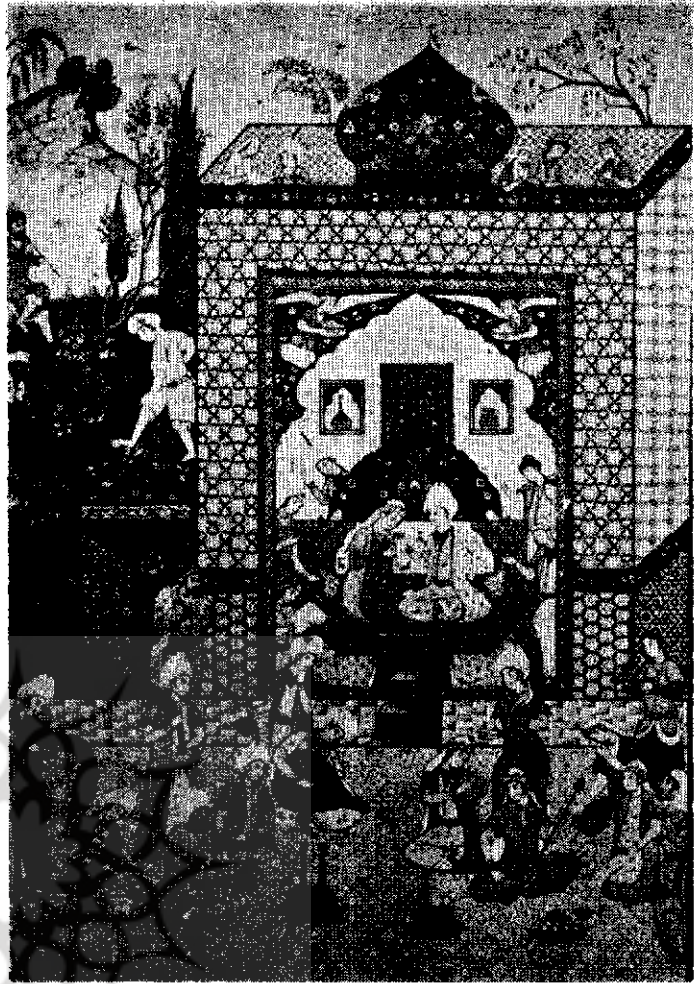
۳- مجلس بزم بهرام اثر دیگر
از محمدعلی زاویه

ودرختان سرو و بطراوت باغ و بالاخره زیبایی منظره افزوده‌اند و زیباترین پرندگان در شاخه‌های پر گل نشسته‌اند. در حاشیه خارجی صحنه مناظر طبیعت و نقش حیوانات وحشی و پرندگان با رنگ طلائی تشعیر شده‌اند.

این تابلو از آثار اولیه استاد است که در سال ۱۳۰۹ شمسی بعنوان مسابقه ترسیم شده بود، همین اثر سرانجام توانست پیروزی بزرگی را شامل گردد و هنرمند فقید را در شمار بزرگترین مینیاتورسازان زمان معرفی نماید.

تابلوی شکل (۲) این تابلو از آثار محمدعلی زاویه هنرمند عالیقدر است، که از ۷ دایره در تذهیب فقط در دو دایره دو صحنه بزم بهرام زیر دو گنبد سپید - سرخ نمایانده شده‌است. تذهیب اطراف دوایر کار نصرت‌الله یوسفی استاد تذهیب می‌باشد.

الف - گنبد سپید: در این تابلو در وسط و در دایره بزرگتر نقاشی شده‌است. این تابلو بهرام را بر تختی زرین نشان میدهد. دختر شاه اقلیم هفتم در کنارش نشسته است. در این بزم ۱۹ صورتی سعی شده‌است که تمام صورتها و اندام در نهایت ظرافت و مهارت نقش گردد. رقصه‌ای که در وسط صحنه میرقصد و نوازندگانی که با دایره وعود و چنگ به شادمانی مجلس افزوده‌اند، مناظر طبیعت با تمام طراوتش و نقش حیوانات شکاری و پرندگان زیبا با تمام شکوهش در دیوار پشت‌تخت بزیباترین صورتی نشان داده شده و کف تالار قصر نیز با نقش ستاره‌های هشت‌پر با اصولی



۴- تابلوی گنبد بهرام از حسین صفوی

فنی ودقیق ترسیم گشته است .

ب : گنبد سرخ : در صحنه بزم گنبد سرخ دو دایره کوچکتر در بالای دایره مرکزی دیده میشود بهرام بر تخت نشسته و در اینجا دختر شاه اقلیم چهارم در کنارش افسانه می گوید . در این دایره کوچک ۲۳ صورت در نهایت دقت و قدرت قلم گنجانده شده است . همه حاضرین در این مجلس بجامه های سرخ ملبوسند . در دست رامشگران دایره وعود دیده میشود . در دیواره پشت تخت چوگان بازی در نهایت دقت و مهارت تشعیر شده است . حاشیه دیوار نقش ستاره دارد و کف تالار قصر با نقش تندو کند طرح ریزی شده است - گنبد سرخ فام چون یاقوتی درخشان در بالای قصر نمایان است .

شکل (۳) گنبد بهرام ، اثر دیگری است از محمدعلی زاویه و از نظر طرح و شباهت زیادی به تابلوی شکل (۱) دارد در این صحنه نقش صورتها با قدرت و مهارت بینظیری نمایانده شده است . حاشیه دیواره ساختمان قصر با نقش ۵ ضلعی که ستاره های قرمزی را دربر گرفته اند دیده میشود . در حاشیه زیرین تخت در زمینه آبی رنگ نقش پرندگان و حیوانات شکاری که از نظر ظرافت و قدرت قلم و گردش خطوط به عالیترین صورتی نقش شده است و منظره باغ نیز با بودن پرندگان زیبا در گوشه ای از صحنه دیده میشود .

شکل (۴) تابلوی گنبد بهرام از حسین صفوی یکی دیگر از هنرمندان مینیاتور است .